

تأثیر زیست رسانه ای بر رشد شناختی و عاطفی کودکان و نوجوانان

ایراندخت سیاحی^۱، سند نجمی^۲، زینب نوشادی^۳

چکیده

در حال حاضر رسانه‌ها به عنوان یکی از ابزارهای اصلی انتقال و گسترش ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، در رفتار کودکان و نوجوانان و تغییر رفتار اجتماعی آنان، دارای نقش مهمی است. همان طور که استفاده بیش از حد و ناسالم از رسانه‌ها می‌تواند اثرات مخربی بر رشد شناختی و عاطفی کودکان و نوجوانان داشته باشد که از جمله: عادی‌سازی خشونت و افت تحصیلی است که اگر رسانه‌ها به درستی مورد استفاده قرار گیرند، می‌توانند به تقویت مهارت‌های اجتماعی و فردی، افزایش دانش و دایره لغات، و رشد صحیح مهارت‌های اجتماعی و فردی در کودکان و نوجوانان کمک کنند. پژوهش حاضر، به روش توصیفی، تحلیلی و با استناد از منابع کتابخانه ای تالیف شده است.

کلیدواژه: اثرات، زیست رسانه ای، رشد شناختی، رشد عاطفی، کودکان و نوجوانان.

^۱ - دانش آموخته سطح ۲

^۲ - دانش آموخته سطح ۲

^۳ استاد راهنما: زینب نوشادی، طلبه سطح دو، حوزه علمیه جواد الائمه آبدانان

مقدمه

رسانه ها به عنوان یکی از رسانه ها به دلیل حضور فراگیر و همه جانبه شان در زندگی مدرن، تأثیرات قابل توجهی بر رشد شناختی و عاطفی کودکان و نوجوانان دارند. بررسی این تأثیرات هم جنبه های مثبت مانند یادگیری و توسعه مهارت ها و هم جنبه های منفی مانند افزایش خشونت و مشکلات روانی را در برمی گیرد، به همین دلیل نیاز به شناخت دقیق و ارائه راهکارهای متعادل برای استفاده صحیح از رسانه ها برای بهره مندی از فواید و جلوگیری از آسیب های احتمالی در این دوره حساس رشدی احساس می شود. در پیشینه این پژوهش، مقالاتی در این زمینه و در ارتباط با موضوع پژوهش به صورت پراکنده نوشته شده است و هر کدام از این پژوهش ها به یک بحث در ارتباط با این موضوع پرداخته اند که از جمله: تأثیر رسانه بر رفتار کودکان و دانش آموزان دوره ابتدایی، مولف: رضا علیزاده و دیگران، ۱۳۹۹ در این مقاله به بررسی تأثیر رسانه بر رفتار کودکان و دانش آموزان دوره ابتدایی پرداخته است. در مقاله: تأثیر رسانه بر تربیت و رشد دینی کودکان و نوجوانان، مولف: فاطمه معنوی، ۱۴۰۳ در این مقاله به شناسایی تأثیر رسانه ها بر رشد عاطفی، شناختی، اجتماعی و اخلاقی کودکان و نوجوانان و در نهایت ارائه راه کارهایی برای روبه رو با اثرات مخرب تربیت رسانه ای و روش های هدایت درست تربیت رسانه ای در عصر فناوری اطلاعات انجام گرفته است. در مقاله: تأثیر رسانه های اجتماعی بر کودکان، نوجوانان و نقش خانواده ها، مولف: گون شورین اوکیفه و دیگران، ۱۴۰۱ در این مقاله به تأثیر رسانه های اجتماعی بر کودکان، نوجوانان و نقش خانواده ها پرداخته شده است. هدف از پژوهش حاضر، تأثیر زیست رسانه ای بر رشد شناختی و عاطفی کودکان و نوجوانان است. ولی در این مقاله حاضر سعی شده است تا ضمن پرداختن به مفاهیم این پژوهش، به تأثیر زیست رسانه ای بر رشد شناختی و عاطفی کودکان و نوجوانان پرداخته شود. بر این اساس ما در این پژوهش درصدد پاسخ به سؤالی هستیم که بیانگر و روشن کننده این تحقیق باشد از جمله:

۱- تأثیر زیست رسانه ای بر رشد شناختی و عاطفی کودکان و نوجوانان چیست؟

۱- رسانه های سنتی و رسانه های نوین

از میان تمامی فعالیت هایی که کودکان و نوجوانان در طول روز انجام می دهند، استفاده از رسانه ها، پس از خواب، بالاترین جایگاه را به خود اختصاص داده است. هر نوجوانی به طور میانگین بیش از هفت ساعت از زمان خود را در روز به استفاده از رسانه ها اختصاص می دهد. اتاق خواب هر کودکی امروزه مملو از انواع فن آوری های ارتباطی است. تا سال ۲۰۰۵، دو سوم کودکان، صاحب یک دستگاه تلویزیون شخصی و نیمی از کودکان نیز صاحب دستگاه پخش ویدئو، دستگاه پخش دی وی دی و یا دستگاه بازی رایانه ای بوده اند. همچنین حدود یک سوم آنان نیز به رایانه شخصی و اینترنت دسترسی داشته اند.

با وجود تلویزیون شخصی در اتاق خواب کودکان، اثرات مخرب این رسانه بر کودکان افزایش می یابد. ساعت تماشای تلویزیون در چنین شرایطی به طور میانگین از یک ساعت به دو ساعت افزایش یافته، احتمال افزایش وزن ۳۱٪ بالا رفته و احتمال اعتیاد به سیگار نیز دو برابر می شود. وقتی تلویزیونی در اتاق خواب شخصی کودک باشد، پدر و مادر قادر به نظارت مستقیم بر برنامه های مشاهده شده نخواهند بود. در چنین شرایطی کودکان زمان کمتری را به فعالیت هایی چون مطالعه و سرگرمی اختصاص داده و دچار کمبود خواب می گردند.

کودکان امروز بیش از پیش به رسانه ها دسترسی داشته و آنها را به شیوه های قابل قبول و غیر قابل قبول مختلفی به کار می برند. پژوهش های اخیر نشان می دهند که ۹۳٪ از کودکان بین سنین ۱۲ تا ۱۷ سال امروزه به اینترنت دسترسی داشته و ۷۱٪ آنان نیز دستگاه تلفن همراه دارند. نوجوانان در بازی های رایانه ای نیز رتبه بالایی را به خود اختصاص داده اند. ۹۷٪ نوجوانان امروزه به بازی های رایانه ای و یا ویدئویی دسترسی دارند.

نوجوانان در استفاده از فن آوری های نوین خلاقیت بالایی دارند و همین خلاقیت می تواند موجب نگرانی والدین و معلمان گردد. از طریق این فن آوری ها، کودکان و نوجوانان قادر هستند که به سادگی فیلم های خشونت آمیز را از اینترنت دریافت کرده، پیام های متنی و یا تصاویر شخصی حاوی مسائل جنسی به دوستان خود ارسال کرده، سیگار و مشروبات الکلی را به صورت آنلاین خریداری کرده و اطلاعاتی نادرست و فریبکارانه در فضای مجازی ثبت کنند. با وجود این رسانه های متنوع، تلویزیون همچنان پرمخاطب ترین رسانه بوده و بیشترین میزان استفاده را به خود اختصاص داده است.^۱

^۱ پایگاه اطلاع رسانی حوزه، اثرات رسانه ها بر سلامتی کودکان و نوجوانان، ۱۴۰۱/۳/۵.

۲- تأثیرات زیست رسانه ای بر رشد شناختی و عاطفی کودکان و نوجوانان

۲-۱- پرکردن اوقات فراغت کودک

انسان‌ها هر سنی که داشته باشند، یک فعالیت اصلی و محوری دارند که گذراندن زمان در آن سن، حول آن محور است. این فعالیت اصلی در طول زمان به خاطر طبع خاص انسان برای انسان ملال‌آور می‌شود. این تنوع، اولاً باید غیر از آن فعالیت اصلی باشد و ثانیاً در زمانی خارج از زمان آن فعالیت باشد تا آسیبی به این فعالیت اصلی نرسد. فعالیت اصلی کودک پیش از مدرسه، بازی و پس از مدرسه، درس است. طبیعی است که کودک از بازی و درس خسته شده و نیازمند یک فعالیت جانبی می‌شود تا اوقات خالی از فعالیت اصلی را پر کند و خستگی‌های خود را برطرف کند. تلویزیون یکی از بهترین چیزهایی است که می‌تواند اوقات فراغت کودک را پر کند.^۲

برخی از اندیشمندان با طرح پرسش‌های غیرمستقیم از کودکان و ربط دادن پاسخ آنها به رفتارشان، به این نتیجه رسیده‌اند که دلایل تماشای تلویزیون توسط کودکان، دست‌کم به سه دسته بزرگ تقسیم می‌شوند. اولین دسته از این دلایل که حجمی چندین برابر دسته دوم دارد، شامل گذراندن اوقات فراغت است. کودکان وقتی با این هدف به تماشای تلویزیون می‌نشینند، بیشتر، خواهان برنامه‌های شاد و سرگرمی‌های ساده و پرهیجان هستند. در این مرحله، توجه کمتری به برنامه‌های آموزشی شده و آرامش‌بخش‌ترین برنامه‌ای که موجب افزایش احساس خوش‌بینی و امنیت خاطر مخاطبان می‌شود، برنامه‌های خانوادگی است.^۳

در طی فرآیند رشد شناختی، کودک به تدریج مهارت‌های لازم برای یادگیری و درک تجارب جدید را می‌آموزد. با پیشرفت تکلم، کودک تعامل بیشتری با محیط پیدا می‌کند. وی هر روز از طریق بازی، تماشای تلویزیون و مشاهده اطراف خود اطلاعاتی به دست می‌آورد. وی به تدریج به کمک کلمات و نشانه‌ها به حل مسائل و ابراز افکار و احساسات خود می‌پردازد و با کسب اطلاعات جدید، به صورت مداوم درک خود را از دنیای اطرافش ساماندهی می‌کند.

پس از هیجانات اولیه مانند شادی، غم و ترس، با رشد کودک به تدریج دامنه وسیع‌تری از هیجانات آشکار می‌شوند. کودک در سنین پیش‌دبستانی، هیجانات پیچیده‌تری مانند احساس گناه، شرم و خجالت را ابراز می‌کند. در این

^۲ آذری، اثرات رفتاری تلویزیون بر کودکان و نوجوانان، ص ۷۷.

^۳ همان.

زمان وی مهارت بیشتری در تکلم به دست آورده و برای ابراز احساسات، به جای حرکات فیزیکی از کلمات استفاده می‌کند. کودک ممکن است در نامگذاری احساسات خود، مشکل داشته باشد. به علاوه کودک در این سن، در برخورد با احساسات منفی شدید، ممکن است دچار سردرگمی و ترس شده، قادر به کنترل این هیجانات نباشد. بنابراین کودکان برای شناخت درست احساسات و نیز برای کنار آمدن با احساسات منفی و دشوار، نیاز به حمایت و یاری والدین دارند.

کودکان باید بدانند که هیجاناتشان واقعی و قابل قبول است و فقط باید به شیوه‌ای درست، ابراز شوند. بنابراین درباره احساسات و هیجانات مختلف، بایستی با کودک صحبت شود و یا از طریق برنامه‌های مختلفی که کودک در تلویزیون می‌بیند و یا رفتارهای والدین و اطرافیان نسبت به ابراز صحیح و به موقع هیجانات، آموزش لازم داده شود. می‌توان برای کودکان با کشیدن تصاویری از صورت‌های ساده با احساسات مختلف، کمک به نامگذاری هیجانات کرده و در این صورت است که کودک فرا می‌گیرد که احساسات منفی و مثبت خود را به صورت صحیح ابراز کند.^۴

کودکان تمایل شدیدی به تأیید شدن توسط والدین دارند؛ در نتیجه می‌خواهند بچه خوبی باشند تا پدر و مادر به آنها محبت کنند. بسیاری از رفتارهای کودک در این سن، به فرآیند تکاملی وی مربوط است، نه غیراخلاقی بودن شخصیت وی. کودک در این سن، خودمحور بوده و کنترل تکانه‌ها برایش دشوار است. آموزش اخلاقیات از طریق برنامه‌های کودکان به رشد و درونی‌سازی این ارزش‌ها کمک می‌کند و همچنین به تدریج و با تلاش والدین در تعیین قوانین روشن و ثابت در منزل، مانند «خشونت، کتک زدن و گاز گرفتن ممنوع است» کودک به نوعی آگاهی دست می‌یابد و مجموعه‌ای از عادت‌های درونی در وی شکل می‌گیرد که بنیان اخلاقی کودک را می‌سازد. شیوه برخورد والدین با رفتارهای کودک و نیز طرز رفتار آنان با دیگران، راهنمای کودک در این فرآیند است. در ابتدا کودک برای جلب رضایت والدین و تأیید آنان از قوانین تبعیت می‌کند و سرانجام این قانون‌ها، تبدیل به اصول اخلاقی درونی، شده و جزئی از شخصیت وی خواهد بود.^۵

۲-۲- تلویزیون و اجتماعی شدن

زندگی اجتماعی دارای شاخص‌ها و نمادهایی است. بدون شناخت نمادهای اجتماعی، نمی‌توان در اجتماع زیست. در واقع، مقدمه زندگی اجتماعی، اجتماعی شدن است. تولد کودک مقارن با اجتماعی شدن اوست. به همان نسبت

^۴ درانی، استفاده از رسانه های گروهی نزد دانش آموزان دوره راهنمایی و متوسط شهر تهران در رسانه های تصویری، ص ۴۷.

^۵ کلین، ۱۱۳.

در فرهنگی که ماشین به دلیل توانایی انجام هر کار و قابلیت تکرار بی نهایت هر عمل، بدون رابطه ی انسانی، جایگاه متعالی انسان را اشغال کرده و نمونه ی بارز شبه انسان گشته و به عنوان عامل ترقی محسوب می گردد، بدیهی است که ذهنیات و معنویات جایگاهی برای تجلی ندارند. تکنیک، نه فقط با چند بعدی بودن، پیچیدگی و تعدد معانی در آراء انسان می ستیزد، بلکه احوال مقوله های ذهنی را دشمن خود می داند؛^{۱۵} مذاکره و مباحثه نوع و شیوه ی مبادله ی فکر است و در عین حال روش آموزش و ابزار بیان نیز هست. کاس درس مکانی است با داد و ستدهای اجتماعی، جایگاه مقابل صفحه ی تلویزیون و رایانه مکانی است خصوصی. درحالی که در کالس درس از آموزگار می توان سوال کرد و از او برای بهتر فهمیدن کمک گرفت. امکان سوال از صفحه ی تلویزیون وجود ندارد. درحالی که در مدرسه مسئله ی اساسی رشد زبان محاوره و پرورش گویش است، تلویزیون از بیننده ی خردسال خود فقط بذل توجه می طلبد. نکته ی دیگر این که رفتار کودک در مدرسه منجر به درک ظرافتها و رعایت آئین های رفتار اجتماعی می شود و او را برای شرکت در اجتماع آماده می سازد.^{۱۶} این دگرگونی و تحول نتیجه ی قهری و ناخواسته ی تغییر در شکل و ابزار داد و ستدهای اجتماعی و مبادله ی آرا و اندیشه های مردمی و ماحصل اجتناب ناپذیر رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی و سیر تکاملی آنها است.

عموما تکنولوژی هایی مانند رایانه در ذات خود ویژگی فردگرایی را در انسان پرورش می دهند. اساساً تلویزیون، رایانه و دیگر تکنولوژی ها امکان برقراری رابطه متقابل طبیعی انسانی را از ما سلب می کنند، روابطی که فقط با حضور انسان ها در کنار هم محقق می شود، روابطی که انسان بواسطه آن بسیاری از حالت اصیل عاطفی و انسانی مانند همدردی، شادی، باهم بودن و که زمینه ساز زندگی اجتماعی آتی او هستند را تجربه می کند.

۹-۲- عدم تناسب محتوای رسانه های تصویری با ویژگی های سنی متربیان

نگاهی به کتاب ها و مواد درسی مدارس نشان می دهد که با چه جدیت و دقتی ایجابات سنین مختلف کودکان و دانش آموزان، توسط بزرگسالان مراعات گشته و مدنظر قرار گرفته است. پیام ها، اطلاعات، ایده ها، نظریات و تجربیات متناسب با شرایط روحی و جسمی دانش آموزان در سنین خاص، تدوین و تنظیم یافته است؛ اما در جامعه و فرهنگ مبتنی بر رسانه های جمعی، این سلسله مراتب آموزشی و اصول اطلاع رسانی از پایه و اساس ویران شده است.^{۱۷}

^{۱۵} پستمن، نقش رسانه های تصویری در زوال دوران کودکی، ص ۲۴۸.

^{۱۶} همان، تکنوپولی، تسلیم فرهنگ به تکنولوژی، ص ۲۹۹.

^{۱۷} همان، زندگی در عیش مرگ در خوشی، ص ۱۵۱-۱۵۰.

کتاب و ساختار آن که با سطوح مختلف درک و اندیشه و میزان دانش و اطلاعات قبلی و پیش زمینه خواننده ارتباط برقرار می کند، و از این لحاظ به درجات مختلف قابل تقسیم است. در فرآیند تربیت آنچه مهم است اینکه، تربیت، سرعت بخشیدن به مراحل رشد نیست چرا که سرعت در فهماندن جلوگیری سرعت در فهمیدن می شود. پژوهش های روانشناختی موید این امر است که سرعت بیش اندازه و به دور از توانمندی و فراتر از ظرفیت طبیعی کودک، فرایند درون سازی مفاهیم آموزشی و تربیتی را مختل می کند. به عبارتی هرگاه سعی کنیم چیزی را زودتر از موعد طبیعی به کودکان بیاموزیم آن ها را از کشف دوباره آن به وسیله خودشان باز داشته ایم.^{۱۸} بنابراین می توان چنین استنباط کرد که سازماندهی محتوا در زیست رسانه ها به خصوص تلویزیون به گونه ای است که تناسب رشد کودک در آن لحاظ نمی شود و بخش بزرگی از محتوای ارائه شونده خارج از حد تجربیات یادگیری دانش آموزان می باشد به طوری که یادگیری را برای دانش آموزان دشوار و غیر ممکن می سازد.

^{۱۸} کریمی، تربیت چه چیز نیست، ص ۸۸.

نتیجه گیری

در این مقاله به آنچه که گفته شد به این نتیجه دست یافتیم که نهاد خانواده، تحت تأثیر عوامل متعدد درونی و بیرونی این تغییرات را تجربه کرده است. همان طور که بین میزان استفاده از رسانه‌هایی مانند تلویزیون و ماهواره و کامپیوتر و میزان تأثیرپذیری رشد اجتماعی و شناختی رابطه وجود دارد و بین میزان استفاده از رسانه‌هایی مانند تلویزیون و ماهواره و کامپیوتر و میزان تأثیرپذیری رشد عاطفی و روانی رابطه وجود ندارد. رسانه‌ها به عنوان یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر تحولات خانواده، نقش اساسی در دگرگونی روابط درونی بین اعضای آن داشته‌اند. این تحولات باعث سست شدن پیوندهای درون خانواده، افزایش طلاق، ناتوانی در تربیت فرزندان و... شده و از سوی دیگر پیامدهای مثبتی چون افزایش سطح آگاهی اعضای خانواده، شناخت روش‌های بهتر در برخورد با فرزندان، استفاده بهینه از امکانات بهداشتی، آموزشی و... داشته است. در واقع رسانه از سویی باعث تقویت برخی از ارزش‌های اجتماعی و از سوی دیگر باعث تضعیف آنها شده است. آنچه می‌تواند نقش و اهمیت رسانه را در بعد مثبت آن افزایش دهد، شناخت علمی و دقیق ویژگی‌ها و کارکردهای نوین خانواده است و تنها در این صورت رسانه می‌تواند با تولید برنامه‌های مناسب، ضمن دستیابی به اهداف تعریف شده از پیامدهای ناخواسته آن جلوگیری کند و همچنین رسانه می‌تواند با اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم بر نهاد خانواده، بسیاری از ناهنجاری‌های درون خانواده را کاهش دهد و در تعالی خانواده مؤثر واقع شود. از آنجا که الگوسازی رسانه برای والدین و فرزندان امری بدیهی است و تجربیات فراوانی این موضوع را به اثبات رسانده است، عملکرد رسانه در قالب طرح الگوهای مؤفق، ضمن تقویت باورهای درست و تصحیح نگرش‌های نادرست، منجر به تغییر رفتار به عنوان هدف غایی آموزش خواهد شد.

منابع

*قرآن کریم

۱. آذری، سعید؛ اثرات رفتای تلویزیون بر کودکان و نوجوانان؛ مجله پژوهش و سنجش ش ۱۵ و ۱۶؛ پاییز و زمستان ۱۳۷۷.
۲. بری گوننز و بیل مک آلر؛ کودک و تلویزیون؛ ترجمه نصرت فتی تهران: سروش، ۱۳۸۰.
۳. پستمن، نیل، نقش رسانه های تصویری در زوال دوران کودکی، ترجمه: صادق طباطبایی، نشر: اطلاعات، تهران، ۱۳۷۸.
۴. _____، تکنوپولی، تسلیم فرهنگ به تکنولوژی، ترجمه: صادق طباطبایی، نشر: اطلاعات، تهران، ۱۳۸۶.
۵. _____، زندگی در عیش مرگ در خوشی، ترجمه: صادق طباطبایی، نشر: اطلاعات، تهران، ۱۳۸۴.
۶. درانی، کمال؛ استفاده از رسانه های گروهی نزد دانش آموزان دوره راهنمایی و متوسط شهر تهران در رسانه های تصویری؛ مجله روان شناسی و علوم تربیتی؛ دوره جدید؛ سال چهارم، شماره ۲، ۱۳۸۱.
۷. شرام، ویلبر و دیگران، تلویزیون در زندگی کودکان، ترجمه: محمود حقیقت کاشانی، تهران، مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیما، ۱۳۷۷.
۸. کازنو، ژان؛ جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی؛ ترجمه باقر ساروخانی؛ چاپ هشتم، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۴.
۹. کوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، ترجمه: غلام عباس توسلی و رضا فضل، نشر: سمت، تهران، ۱۳۸۲.
۱۰. گوننز، بری و دیگران، کودک و تلویزیون، ترجمه: نصرت فتی، سروش، تهران، ۱۳۸۰.

۱۱. ملوین، دفلور؛ اورت، ای دنیس؛ شناخت ارتباطات جمعی؛ ترجمه سیروس مرادی؛ تهران: دانشکده صدا و سیما، ۱۳۸۳.

۱۲. ویلبر شرام جک لایل و ادوین بی پارکر؛ تلویزیون در زندگی کودکان؛ ترجمه محمود حقیقت کاشانی؛ تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما، ۱۳۷۷.